نخستین اعلامیه ی حقوق بشر: جهان

کهن ترین سند نوشتاری بازمانده از عصر شاهنشاهی هخامنشی،فرمانی‏ست که‏ کوروش در 540 پیش از میلاد پس از تسخیر شهر بابل برای اعلام اهداف و سیاست خود صادر کرد که بعدها نخستین منشور حقوق بشر شناخته شد.این سند،بخشی از اصولی بود که کوروش در نظر داشت برای برقراری صلح میان انسان‏ها تحقق بخشد.این بیانیه،بر کتیبه‏یی گلی،به زبان«بابلی نو»،و به خط میخی نوشته شده است که در سال 1879 در نینوای عراق کشف شد و هم اکنون در موزه‏ی بریتانیاست.

بازنویسی این اعلامیه‏ی رسمی را که متن دقیق و کامل آن را در حافظ شماره‏ی 6 (شهریور 1383)منتشر کرده‏ایم،در آستانه‏ی جشن باستانی نوروز 1384 مناسب دانستیم؛ بویژه به دلیل استنباطهای حقوق بشری که از این متن کهن به دست داده‏ایم:

آن‏گاه که من به آرامش و بی‏آزار به بابل درآمدم‏[1]،در میان هلهله و شادی،اورنگ‏ فرمان‏روایی را در کاخ پادشاهی استوار داشتم‏[2]...بی‏شمار سپاهانم به صلح در بابل گام برداشتند[3].روا نداشتم کسی وحشت را بر سرزمین سومر و اکد فرا آرد[ 4].نیازمندی‏های بابل،و تمامی پرستشگاه‏های آنان را پیش دیده داشتم و در بهبود زندگی همگان کوشیدم‏[5].همه‏ی یوغ‏های ننگین بردگی را از مردمان بابل‏ برداشتم‏[6].خانه‏های ویران‏شان را آباد کردم.به تیره‏بختی‏هاشان پایان دادم.[7] مردوک،مهتر خدای،از کردارم شاد شد،و به من،کوروش،پادشاهی که او را نیایش کرد،و به کمبوجیه،پسرم...و به همه‏ی سپاهیانم،مهربانانه برکت داد،از ته‏ دل،در پیشگاهش،خدایگانی والای او را بس گرامی داشتیم.و همه‏ی پادشاهانی‏ که در بارگاه خود بر تخت نشسته‏اند،در چهار گوشه‏ی جهان،از فرادریا تا فرو دریا...، همه‏ی پادشاهان باختر زمین که در خیمه‏ها سکونت داشتند،برای من خراج گران‏ آوردند و در بابل بر پایم بوسه زدند.از...تا شهرهای آشور و شوش،آگاده،اشنونا، شهرهای زمبان،مورنو،در،تا قلمرو سرزمین گوتیوم،شهرهای مقدس فراسوی‏ دجله را که پرستشگاه‏هاشان دیرزمانی ویران بود،تعمیر کردم و پیکره‏ی ایزدانی را که میان آنان جای داشتند،به جای خود بازگرداندم و در منزلگاهی پایدار اقامت دادم‏ [8].تمام مردمان‏[آواره‏]را جمع کردم و خانه‏هاشان را به آن‏ها باز گرداندم‏[9]...

اجازه دادم همگان در صلح بزیند.[10]

استنباطهای حقوق بشری

[1].لزوم اجتناب از شکنجه و خون‏ریزی.

[2].لزوم اتکاء به مردم در حکومت

[3].اصل هم‏زیستی مسالمت‏آمیز و صلح‏جویی

[4].جلوگیری از ایجاد حکومت مبتنی بر وحشت و اختناق.

[5].تکلیف حکومت به بهبود وضع زندگی مردم و حق‏ برخورداری از مواهب زندگی.

[6].از بین بردن بردگی و برده‏داری.

[7].حق برخورداری از حمایت‏ اجتماعی.

[8].احترام به تمام ادیان و مذاهب.

[9].احترام به حق مالکیت.

[10].حق برخورداری از صلح و آرامش.